

# یار یا بار ورزش...؟

اختلافاتی که در برخی از رشته‌ها و جامعه ورزش وجود دارد از مدت‌ها قبل موجبات نگرانی دوستداران ورزش را فراهم کرده است. این اختلافات نوعی تیشه زدن به ریشه ورزش و رشته‌های مختلف به شمار می‌رود. چه عواملی می‌تواند در بروز و دامن زدن به این اختلافات نقش داشته باشد و چرا در چنین مواقعي هیچ کدام از طرفین به عقب نشینی از مواضع خود تن نمی‌دهند و بر گفته‌های خود پا فشاری می‌نمایند.

آیا نباید در چنین مواقعي به خاطر ورزش، جوانان و دوستداران هر رشته در راستای خواست و نیاز آنها گام برداشته شود و با کئتاه آمدن و چشم پوشی از خواست‌ها به ورزش خدمت نمایند؟ آیا در پشت این قبیل رفتارهای شک بر انگیز و سوال برانگیز جا خوش نکرده است؟ چرا در رشته‌هایی که بوع اختلاف از آنها به مشام می‌رسد فضای برای نفس کشیدن فقط در اختیار تعداد محدودی از افراد و نورچشمی‌ها قرار می‌گیرد؟

چرا به جای در پیش گرفتن وحدت و همدلی و افزایش روحیه و میزان همکاری بر خلاف اصول مدیریتی و ضرورت‌های کار جمعی رو به اختلاف و درگیری می‌آورند و در بعضی موارد هم عبارات و تعابیری بر علیه یکدیگر به کار می‌برند که موجب شگفتی و سخت باعث تاسف می‌شود. این دعوا‌ها برسر چیست؟ آیا این اختلافات و درگیری‌ها بر سر مسائل کاری است و از سر خیرخواهی و دلسوزی برای ورزش است و به خاطر رقابت بر سر خدمت و نوکری مردم و جامعه ورزش است؟ و یا همه اش از خودخواهی و منیت ناشی می‌شود؟

اگر خدمت به ورزش و جوانان کورد نظر باشد و اگر خدمت بی‌منت و بی‌مزد و مواجب را افتخار می‌دانیم و اگر در کار و برنامه و اجرای آنها با مخالفت‌هایی مواجه می‌شویم چرا اصرارا بر ماندن و ادامه فعالیت داریم؟

هر کسی که در ورزش دستی بر آتش دارد با نگاه خودش و با حلاجی و تحلیل مسائل می‌تواند به پاسخی در این باره دست پیدا بکند اما پاسخ هرچه باشد، واقعیت غیر قابل کتمان و کاملاً روش برای اهالی ورزش و خاک خورده‌گان و کارشناسان واقعی این است که با تحمیل خود بر ورزش و اداره امور هیات‌ها نمی‌توان ادعای خدمت کردن داشت. آیندگان در مورد افرادی که برای خود و اطرافیانشان در رشته مختلف مشکل می‌آفريند و در مسیر رو به جلو سد ایجاد می‌کنند و با سر هم کردن یک سری آمار و ارقام مسئله دار خود را خدمتگزار و موفق

در امر خدمت رسانی قلمداد می نمایند چگونه قضاوت خواهند کرد؟  
کسانی که بعد از چهارسال حضور در راس یک هیات ورزشی برای پیشکسوتان و بخش عظیمی از ورزشکاران ناشناخته باشد و عامل ایجاد حاشیه در رشته ورزشی مختص به هیات باشد آیا می تواند ادعا بکند فردی موفق، خدمتگزار و عاشق پیشرفت است؟ نمی دانم شاید ما اشتباه می کنیم که معتقدیم اختلافات باید از هیات های ورزشی رخت بریندند و به جای آنها صفا و صمیمیت و یک رنگی حاکم گردد.. اینکه ناشناخته ها و قدرت طلبان دست از یقه هیات های ورزشی بکشند و اجازه بدنهند خدمتگزاران بی منت رشته امور را به دست بگیرند.

افرادی که به هیچ روش و طریقی نمی خواهند دست از سر هیات های ورزشی بردارند و به دنبال کار و زندگی خود رفته و کار را به اهلش بسپارند باید بدانند در این چند روزی که میهمان ورزش هستند یار آن باشند و بار آن نباشند.

اگر نتوانسته اند برای هیات های ورزشی ما یاری صدیق و صمیمی باشند صحنه را برای حضور یارانی مخلص و توانا خالی کنید و بیش از این برای ماندن و ضربه زدن به ورزش و دورغ بستن به این و ان اقدام نکنید.